دعوت از عبدالله برای سفر به ایران

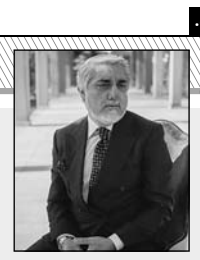

هفته گذشته بود که عمران خان نخست وزیر پاکستان در تماسی تلفنی از عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه ملی افغانستان برای سفر به اسلام‌آباد دعوت کرد. این سفر قرار است بامداد روز دوشنبه صورت گیرد. به گزارش فارس، این دعوت عمران خان در حالی صورت گرفت که با گذشت حدود ۲ هفته از آغاز مذاکرات بین‌الافغانی در دوحه، همچنان اختلافات میان دو هیئت پابرجاست. برخی منابع در دولت افغانستان می‌گویند که عبدالله عبدالله شخصاً تلاش دارد ابتکار عمل را به دست گرفته و دیپلماسی منطقه‌ای در محور صلح افغانستان را رهبری کند. به گفته این منابع عبدالله، پس از سفر به اسلام‌آباد، به دهلی، تهران، آنکارا، پکن و تاشکند خواهد رفت تا اجماع منطقه‌ای درباره صلح افغانستان را احیا کرده و حمایت کشورهای منطقه از مذاکرات بین‌الافغانی را به دست آورد. دلیل این سفرها نیز نارضایتی برخی از برخی کشورهای منطقه از مذاکرات جاری در دوحه خوانده شده است. عبدالله عبدالله تلاش دارد تا این نگرانی‌ها را برطرف کرده و اعتماد آنان را در روند صلح کسب کند. این سفر در حالی صورت می‌گیرد که عمران خان که قرار است طی روزهای آینده میزبان عبدالله باشد، در تماسی تلفنی با اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان بر ادامه حمایت کشورش از روند صلح و برقراری آتش‌بس تاکید کرد. دعوت پاکستان از عبدالله از این منظر قابل تحلیل است که اسلام‌آباد با نگاه خوش‌بینانه اما محتاط با وی برخورد می‌کند.

جدال انتخابات ۴۰ روز آینده آمریکا با رویکرد روان‌شناختی

منصور انصاری- پژوهشگر سیاسی و اقتصادی: این روزها علاوه بر موج گسترده شرط‌بندی بر سر انتخاب شدن یا نشدن ترامپ در دور انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا، در دیپلماسی جهانی نیز معادلات بسیاری بر اساس نتیجهٔ بُرد یا باخت ترامپ تعریف شده است.

اغلب کشورهای مطرح جهان از جمله کشورهای منطقه و به ویژه سیاستمداران و تصمیم‌سازان سیاسی در صحنه و پشت صحنه کشور ما، ادامه وضعیت کنونی یا تغییر در آن و سیاست داخلی و خارجی خود را تا حد زیادی بر اساس نتیجه این انتخابات که کمتر از ۴۰ روز آینده (۱۳ آبان ماه) (سوم نوامبر ۲۰۲۰)، در صحنه سیاسی آمریکا به دست می‌آید تنظیم کرده‌اند و البته از آنجا که نتیجه این انتخابات در کشور ما بارزتر و برجسته‌تر از سایر کشورها به ویژه آنهایی است که ثبات و موقعیت اقتصادی بهتری دارند، طبیعی است که دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران منتظر جابجایی ترامپ و روی کار آمدن رئیس جمهوری دمکرات در آمریکا باشد، گرچه همگان به نوعی باور دارند این جابجایی نمی‌تواند ماهیت و ریشه مخاصمات آمریکا با ایران و برعکس را دگرگون سازد، اما به گمان اکثر سیاستمداران کشور، این جابجایی در تقابل جویی کاخ سفید با ایران و در قالب مواردی چون تعدیل تحریم‌ها یا عدم گسترش آنان و چه بسا بازگشت آمریکا با شیوه‌ای متفاوت از گذشته به برجام موثر خواهد بود.

یعنی این دسته از سیاستمداران معتقدند بر سر کار آمدن رئیس‌جمهوری از جانب دمکرات‌ها، ضریب مخاصمه و تقابل جویی را کاهش می‌دهد. گرچه ممکن است این استنباط، همه جانبه و واقعی نباشد ولی می‌تواند دستمایه نوعی از سیاست قرار گیرد که با ایجاد دلگرمی، ضریب مقاومت زمان‌بندی شده را در سطوح مختلف مولفه‌های قدرت برای تصمیم گیری‌های عاجل، همچنین در رابطه میان دولت و ملت استحکام بخشد و پایداری مردم سختی کشیده طی ۴۰ سال گذشته در مسیر این مقابله و مخاصمه را افزون سازد. در کنار این گمان و تحلیل، افراد دیگری در کشورمان هستند که رژیم آمریکا را چه دمکرات و چه جمهوری‌خواه، عن‌قریب در حال انقراض، نابودی و فروپاشی ارزیابی می‌کنند و می‌گویند که پایان عصر سلطه ظالمانه آمریکا فرا رسیده است. این گروه دامنه این باور را گسترش می‌دهند و به صراحت ابراز می‌کنند که کاخ سفید را تبدیل به حسینیه‌ای برای شیعیان جهان خواهند کرد.

به هر حال، با این دو نوع توصیف و تفسیر و باورهای متفاوت و پراکنده دیگر که گذرا از کنار آنها عبور کردیم، این پرسش اساسی در میان است که آیا ترامپ، در انتخابات حدود ۴۰ روز آینده آمریکا، خواهد توانست چون دوره پیش و به سنت دیرینه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا – انتخاب دو دوره ۴ ساله هر رئیس جمهوری - مجددا کاخ سفید را تصرف کند و حریف نه چندان قَدَر خود یعنی «جو بایدن» را که به صراحت بازگشت به برجام را قابل مذاکره می‌داند شکست دهد؟

برای دستیابی به پاسخ این پرسش باید بپرسیم بسترهای انتخابات ریاست جمهوری در میان مردم افکار عمومی، روشنفکران، نخبگان، ارتشیان، شرکت‌های بزرگ چند ملیتی تجاری تولیدی، صاحبان سرمایه‌های مالی بزرگ و بانک‌های غول پیکر بین‌المللی و صنایع بزرگ تولیدی صنعتی و تجاری و نهایتا رسانه‌ها چیست؟ همچنین لابی‌های صهیونیستی در آمریکا که تقریبا در تمامی موسسات مطالعاتی، تحقیقاتی یا تینک تانک‌ها*«think tanks» نفر دارند و این نهادها مورد حمایت مالی آنهاست، در کنار پول پاشیدن‌های بی‌حد و حصر مستقیم یا غیر مستقیم کشورهای منطقه، به ویژه عربستان برای برنده شدن ترامپ چه تاثیری در آرا دارد؟

البته از کنار ده‌ها پرسش متعارف و متداول دیگر که در هر انتخاباتی از جمله انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می‌توان مطرح کرد، به دلیل فرعی بودن می‌گذریم، اما پرسش اصلی دیگرِ موضوع این تحلیل این که: اصولا ماهیت تاریخی جامعه آمریکا و روان‌شناسی مردم این سرزمین پهناور در عرصه انتخابات ریاست جمهوری چیست؟

چرا در دوره پیشین، در حالی‌که کمتر متفکر، روشنفکر مردم‌گرا یا نخبه‌ای تصور می‌کرد که ترامپ انتخاب شود، وی توانست - گرچه با اتکای به آرای الکترال و نه اکثریت کمی آرا - از رقیب خود خانم هیلاری کلینتون پیشی بگیرد و به کاخ سفید راه یابد؟ برای پاسخ به این پرسش تعیین‌کننده باید بگوییم، در آمریکا و در میان بخش قابل توجهی از جامعه، نوعی سرخوردگی و عقده پنهان، توام با دلخوری منبعث از مدرنیته و نوسازی برق آسای پس از آن وجود دارد که فراغت و آسایش عمومی را طی نیم قرن گذشته به تدریج از افراد جامعه سلب کرده است. در تحلیل و توصیف بیشتر باید گفت؛ این تحول سریع و «خود تعیّن‌بخش» پسامدرنیته و گسترش بلاوقفه آن نوعی اضطراب درونی و دلشوره مدام و ناخودآگاه در بخش‌های عمده‌ای از اقشار متوسط جامعه آمریکا ایجاد کرده که آنان را به عرصه‌ای از خودگریزی و فرار از خود منجر به واکنش نظام گریزی اجتماعی سوق داده است!

قصد ندارم این ویژگی را با آنچه «هابرماس»، «هانا آرنت» و به نوعی«لاکلا»، و «موفه»، «شیء گشتگی» یا «اَتمیزه شدن» افراد می‌خوانند، در جامعه‌ای که بسترساز فاشیسم بوده است یکسان‌پنداری کنم، اما مشاهده این نوع اضطراب و دلشوره برخاسته از «خودگریزی تحکمی» در مقابل این تحول «خود تعیّن بخش» حیرت‌آور و بلاوقفه زندگی فن آورانه دیجیتالی که «ژوزف شومپیتر»، به نوعی آن را «تخریب خلاق» می‌نامید، به همراه سلطه بلامنازع رسانه‌هایی که در مورد جزیی‌ترین رفتار، مسائل و موضوعات روزمره زندگی به جای تک تک افراد جامعه می‌اندیشند و دستورالعمل صادر می‌کنند، در منظر عمومی جامعه آمریکایی، توجه ما را به بخش عمده‌ای از توده‌ها معطوف می‌کند که در ذهن و فکر خود شخصیتی

فرادست را می‌جویند، شخصیتی که می‌تواند با ویژگی‌های شبه آنارشیست مدرن، تمامی قواعد بازی این زندگی فن آورانه دیجیتال که اختیار و هویت انسان بودنشان را سلب کرده است را در هم ریزد و با اتکای به آن، خود را از سیطره گریزناپذیری که چون بختک بر تمامی اجزا زندگی شان حکمرانی می‌کند وارهانند.

این توده وسیع در جامعه آمریکا، دیگر، تغییراتی چون آنچه که اوباما می‌گفت را در دوره اول انتخابات ترامپ نمی‌خواستند، آنان یک شخصیت ویران‌کننده چون ترامپ می‌خواستند که رهبری این شورش درونی شان را بر عهده بگیرد.

به عبارت ساده، فرد مضطرب جامعه متوسط و توده‌های وسیع پایین دست جامعه آمریکا، خود را در مقابل غول بزرگ فناوری‌های مدرن دیجیتالی، رسانه‌ها و سرمایه‌های در حال گسترش با انباشت روز افزون و حیرت آور، تنها و بی‌پناه می‌دید، لذا از نظر روانی به سوی نوعی انتخاب غیر معقولانه رفت و ترامپ را پدیده‌ای نوظهور در عرصه سیاسی دید که می‌تواند قاعده‌های متعارف آزاردهنده این زندگی را در هم ریزد. پس قشر وسیعی که شاید بتوان آنها را توده وسیع خاکستری نامید، زیرا نه الزاما جمهوری‌خواه بودند و نه علاقه‌ای به سلوک جمهوری‌خواهان داشتند را به سمت صندوق‌های رای و انتخاب ترامپ سوق داد.

با این تحلیل و استنباط می‌توان گفت که این حجم رای تعیین‌کننده در انتخابات پیشین ریاست‌جمهوری آمریکا، یک رای سیاسی و غیر پایدار بود که الزاما نمی‌تواند آرای متداول، مرسوم و قاعده مند مردم و جامعه دمکراسی‌خواه و صلح طلب آمریکا باشد.

آرای سرکش و قاعده‌ناپذیر انتخابات پیشین، به واقع واکنش روانی بخشی از مردم مبهوت و مضطرب جامعه آمریکا برای برون رفت از وضعی بود که گمان می‌کرد ترامپ می‌تواند به آن خاتمه دهد.

این جامعه سرگشته و در خود، نتوانست میان آنچه ترامپ در دوره تبلیغات انتخاباتی می‌گفت و عمل می‌کرد، با رهایی از سلطه‌ای که هویتش را سلب کرده بود، تفکیک قائل شود، لذا پدیده نوظهور «ترامپیست» را راه چاره برون رفت از این مخمصه روانی دید. قوه عاقله این بخش از جامعه آمریکا، قدرت تشخیص خود را از دست داده بود، گرچه همین نیروی اجتماعی یا توده‌های وسیع طرفدار ترامپ، در فرآیند حکمرانی ۴ ساله شخصی چون وی، کم و بیش دریافته است می‌توانست رای ندهد یا انتخاب دیگری داشته باشد؛ موضوعی که در دوره پیش روی انتخابات ۱۳ آبان ماه، منشا اثر خواهد بود و ترامپ با هر ترفندی نخواهد توانست این «آرای ناپایدار مضطرب شورشی» در جستجوی آرامش روانی را تماما در صندوق‌های خود داشته باشد.

باید گفت، آنچه مطرح شد یک تحلیل روان‌شناسانه اجتماعی بر بستر جهانی شدن و پسامدرنیته، به عنوان بخشی از ساختار واقعی و عینی تاثیرگذار بر انتخابات آمریکاست که در کنار خود، عرصه وسیعی از عملکردهای مسئله آفرین ترامپ در ژئوپلیتیک‌های مهم جهان دارد. از جمله، نارضایتی جامعه و بعضی از دولتهای اروپایی، شیوه برخورد با افغانستان، حضور سلطه جویانه در عراق، بی‌تعهدی ضمنی در مقابل عربستان، متحد خود در منطقه، برخورد جبّارانه با مردم همسایه قرن‌های متمادی خود یعنی مکزیک و احداث دیوار طولانی در مرزهایش با این کشور، تقابل‌جویی سودمحورانه با چین کمونیست و زد و خوردهای بی‌سابقه اقتصادی با این کشور، نمایش بی‌نتیجه و خودنمایانه با «کیم جونگ اون» رهبر جوان و دیکتاتور کره شمالی، خروج از پیمان‌های پذیرفته جهانی، عدم توجه به پیمان پاریس و بحث لایه ازون یا مسائل زیست محیطی، ایفای نقش قلدرمابانه در گروه ۸ و گروه ۲۰ و سایر رخدادهای کم سابقه بین‌المللی و موازی با همه اینها، خصومت آشکار غیردیپلماتیک و تا حدی کودکانه با ایران و خروج از برجام را می‌توان نام برد. گذشته از این برخوردها که فقط برای بخشی از طرفدارانش در داخل جاذبه داشت، می‌توان به رخدادهای ناپسندی در داخل این کشور اشاره کرد که روشنفکران، نویسندگان و نیروهای فکری آمریکا و صلح‌دوستان جهانی به سادگی از آنها نخواهند گذشت؛ مانند جابجایی‌هایی نابجای معاونان و مشاوران که دلایل منطقی برای آنها وجود نداشت و برخورد شخصی، جنجال آفرین و به دور از شئون سیاسی با این قضایا.

در کنار این حرکات کم مانند در سطح ریاست جمهوری‌های ادوار گذشته آمریکا، می‌توان به انتشار کتاب‌های خاطرات کسانی مثل جان بولتون افراطی، دختر برادر ترامپ و موارد عامه پسند دیگر که به ایشان نزدیک بوده‌اند، اشاره کرد؛ مواردی که بر همان طیف ناپایدار، سیال، ساده گزین و با هویت‌های در هم ریخته و تعیین نیافته اجتماعی، تاثیر منفی می‌گذارد، جامعه‌ای که غالبا با طرح مسائل سطحی از این دست و هر چند مقطعی و زودگذر، جهت‌گیری سیاسی می‌کند.

در ادامه این بحث باید به واکنش کشورها و روسای جمهوری تمام جهان به موضوع اخیر و پدیده نادر بیماری عالمگیر کرونا، به عنوان یک شاخص مسئولیت‌پذیری در مقابل حقوق ابتدایی مردم اشاره کرد که در این حوزه هم ترامپ نتوانست مقبولیت خود را تثبیت کند و با برخوردی خاص و سهل‌انگارانه، توام با نوعی بی‌قیدی با این بیماری که وجدان جامعه جهانی بشری را متاثر و خدشه دار کرده بود، ذهنیتی نامطلوب در میان افکار عمومی داخلی و جامعه جهانی برای خود ایجاد کرد.

نتایج حیرت‌آور مرگ و میر و گستردگی شیوع این بیماری نیز شاخصی برای این مسئولیت‌پذیری بود. واکنش بیرحمانه به اعتراضات شدید مردمی که حتی اگر با تحریک پشت پرده دمکرات‌ها یا گروه‌های مخالف وضع موجود آمریکا همراه بود هم توجیهی نداشت، اعزام پلیس و نیروهای امنیت ملی به این مناطق آشوب زده و البته دستور به بازگشت آنان تحت فشار افکار عمومی، سویه دیگری است که بدون شک بر آرای ترامپ اثر منفی خواهد گذاشت.

در جمع‌بندی این بحث باید گفت؛ کسب یا عدم کسب رای برای ترامپ، از دو جنبهٔ مهم و تعیین‌کننده تهدید می‌شود: یکی از جانب عقل‌گرایان نخبه و جامعه معقول و اقشار میانی متعادل قسم نخورده جمهوری‌خواه و دیگری آرای نامتعارف جمعیت گستردهٔ وازده از ساختار پسامدرنیته جامعه سرمایه‌داری پرشتاب. با توصیفی که در ابتدای این مطلب رفت، نمی‌توان نتیجه گرفت این ریزش اجتناب ناپذیر آرا، الزاما موجب خواهد شد که ترامپ نتواند یک بار دیگر در کاخ سفید مستقر شود، زیرا بخش عمده‌ای از مردم آمریکا، همچون سنوات گذشته، علاوه بر اینکه به حساب‌های پس انداز و دستاوردهای مالی و دارایی‌های خود طی ۴ سال حکمرانی ترامپ نگاه می‌کنند و اگر ترازهای مثبت داشته باشند مجدد به او رای می‌دهند، به نحو عجیبی نیز، مانند همه مردم کشورهای جهان، متاثر از فضاهای مجازی هستند که فارغ از سلطه بلامنازع رسانه‌ها، نقش تاثیرگذاری بر افکار عمومی رای دهندگان دارند.

این «سوشیال مدیا» یا همان فضاهای مجازی، خارج از چرخه رسانه‌های رسمی که غالبا انتخابات را صحنه‌ای نمایشی ترسیم می‌کنند و بازیگری مردم و آرای آنها را در حد صفر برمی‌شمرند، می‌توانند در روزهای نزدیک به انتخابات این تفکر را به سطوح مختلف جامعه تسری دهند که «کلاً رای ندهید، زیرا این جدال به ما مربوط نمی‌شود».

چنین وضعیتی اگر در آخرین لحظات منشا اثر شود، اگرچه به زیان ترامپ است، اما الزاما به نفع رقیب او یعنی «جو بایدن» نیز نخواهد بود. به عبارتی، در جامعه رای دهندگان آمریکا، وضعیت نامتعارف دوره پیشین فروکش کرده است، اما اگر این وضعیت به سمت برخورد عاقلانه سوق یابد، شانس «جو بایدن» بیشتر خواهد بود و ترامپ با توصیفی که شد پیروز این میدان در هم پیچیده نخواهد بود!

گفتنی است که این تحلیل، بر اساس روان شناسی اجتماعی به این نتیجه‌گیری دست یافته، اما نباید از نظر دور داشت که احتمال دارد وجوه تعیین‌کننده دیگری در انتخابات پیش روی آمریکا، همچون شاخص‌های عینی رفاه، اشتغال و دستاوردهای ملی این کشور در حوزه اقتدار بیشتر در صحنه جهانی بتوانند در یک فرایند پیچیده ملی‌گرایی، تمامی معادلات را به گونه‌ای دیگر رقم بزنند.

*(موسسات پژوهش و راهبردی یا تینگ تانگ‌ها «think tanks» از عناصر مهم تاثیرگذار در جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا هستند. بسیاری از طرحهایی که در سیاست خارجی آمریکا به اجرا درآمده از سوی این موسسات تهیه و پیشنهاد شده بود. در واقع این مراکز تصمیم ساز آنچنان با جریان و ساختار سیاسی آمریکا عجین هستند که تحلیلگران از آن به عنوان «تلفیق پژوهش و قدرت» یاد کرده اند. موسساتی مانند ISIS (موسسه علوم و امنیت بین‌الملل)، موسسه WINEP (واشنگتن برای سیاستگذاری خاور نزدیک) AEI (موسسه ابتکار آمریکا برای تحقیق در سیاست خارجی) برولینگز، هریتیج، شورای روابط خارجی رند و... که وابسته به دستگاه‌های قدرت و جریان‌های سیاسی دمکرات یا جمهوریخواه هستند.)

> ● برای دستیابی به پاسخ این پرسش که ۴۰ روز مانده به انتخابات، آیا ترامپ قادر به شکست دادن جو بایدن خواهد بود باید دید در بسترهای انتخابات ریاست جمهوری در میان مردم افکار عمومی، روشنفکران، نخبگان، ارتشیان، شرکت‌های بزرگ چند ملیتی تجاری تولیدی، صاحبان سرمایه‌های مالی بزرگ و بانک‌های غول پیکر بین‌المللی و صنایع بزرگ تولیدی صنعتی و تجاری و نهایتا رسانه‌ها چیست؟
>
> ● رای تعیین‌کننده در انتخابات پیشین ریاست جمهوری آمریکا، یک رای سیاسی و غیر پایدار بود که الزاما نمی‌تواند آرای متداول، مرسوم و قاعده‌مند مردم و جامعه دموکراسی‌خواه و صلح‌طلب آمریکا باشد. آرای سرکش و قاعده‌ناپذیر انتخابات پیشین، به واقع واکنش روانی بخشی از مردم مبهوت و مضطرب جامعه آمریکا برای برون رفت از وضعی بود که گمان می‌کرد ترامپ می‌تواند به آن خاتمه دهد
>
> ● ترامپ در مقابل واکنش کشورها و روسای جمهوری تمام جهان به پدیده عالمگیر کرونا، به عنوان یک شاخص مسئولیت‌پذیری در مقابل حقوق ابتدایی مردم نتوانست مقبولیت خود را تثبیت کند و با برخوردی خاص و سهل‌انگارانه، توام با نوعی بی‌قیدی با این بیماری که وجدان جامعه جهانی بشری را متاثر و خدشه دار کرده بود، ذهنیتی نامطلوب در میان افکار عمومی داخلی و جامعه جهانی برای خود ایجاد کرد.
>
> ● با توصیف خطاهای ترامپ نمی‌توان نتیجه گرفت ریزش اجتناب ناپذیر آرای وی، الزاما موجب خواهد شد که او نتواند یک بار دیگر در کاخ سفید مستقر شود، زیرا بخش عمده‌ای از مردم آمریکا، همچون سنوات گذشته، علاوه بر اینکه به حساب‌های پس‌انداز و دستاوردهای مالی و دارایی‌های خود طی ۴ سال حکمرانی ترامپ نگاه می‌کنند؛ اگر ترازهای مثبت داشته باشند دوباره به او رای می‌دهند

بایدن: نگران مناظره‌ها نیستم

«جو بایدن»، نامزد حزب دموکرات انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا در مصاحبه‌ای تلویحاً عنوان کرد که درباره مناظره با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا نگران نیست. به گزارش فارس، به نوشته وبگاه خبری نیوزمکس، بایدن در خصوص برگزاری مناظرات انتخاباتی با ترامپ گفت: «او (ترامپ) نمی‌داند که چگونه درباره حقایق مناظره کند، زیرا آنقدر باهوش نیست. او حقایق بسیاری را نمی‌داند. او درباره سیاست خارجی یا داخلی و همچنین درباره جزئیات [این مسائل] چیز زیادی نمی‌داند.»

آفتاب | گفتگو

ظریف:

آمریکا اتاق مذاکره را منفجر کرد

> آمریکا نه تنها اتاق مذاکره را ترک کرد، بلکه آن را منفجر کرد. اکنون باید یک جایگاه برای خودش پیدا کند. این کار خود به خود انجام نمی‌شود. من پیش شرطی نمی‌گذارم. منظورم این است که شما نمی‌خواهید در وضعیتی در عرصه بین‌المللی به سر ببرید که به خواست خود از توافقی خارج شود و به خواست خود به آن بازگردد. این کارآمد نخواهد بود

وزیر امور خارجه کشورمان در گفتگویی مواضع کشورمان درباره مسائل جاری پیرامون ایران و به ویژه در موضوع روابط تهران-واشنگتن را تشریح کرد. به گزارش ایسنا به نقل از شبکه راشا تودی، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگو با این شبکه درباره بیماری همه‌گیر کرونا گفت: این بیماری فقیر و غنی و دشمنان را نمی‌شناسد و در حال تاثیر گذاشتن بر همه ماست. همه ما باید برای مبارزه با این ویروس متحد شویم. متاسفانه آمریکا حتی در خرید دارو و واکسن مانع ایران می‌شود.

وزیر امور خارجه کشورمان درباره تاثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر شیوع کرونا در ایران گفت: تحریم‌ها و فشار اقتصادی تاثیر چشم‌گیری در دو سطح داشته است. اول این که ما نمی‌توانستیم مانع سر کار رفتن مردم بشویم. ما نمی‌توانستیم مشوق‌ها و کمک‌های دولتی بلاعوض بیشتری برای ماندن مردم در خانه و کسب هزینه‌های زندگی انجام دهیم و خزانه دولت آن قدر پر نبود، بنابراین ما باید به آنها اجازه می‌دادیم که خودشان کسب درآمد کنند. این تصمیمی بود که باید می‌گرفتیم و تصمیم بسیار سختی بود که باید می‌گرفتیم. سطح دوم خرید دارو و واکسن است. آمریکا اول از همه منابع مالی ما را با ممانعت از فروش نفت محدود کرد و دوم این که از داشتن دسترسی به پول خودمان جلوگیری می‌کند.

وی افزود: ما در کشورهای خارجی مقداری پول بلوکه شده داریم و آن کشورها توسط آمریکا از اجازه دادن به ما برای خرید دارو با پول خودمان منع شده‌اند. هرچه آمریکایی‌ها درباره این می‌گویند که تحریم‌هایشان بر موارد بشردوستانه تاثیر نمی‌گذارد فقط یک دروغ است. ما در تلاش بوده‌ایم برای واکسن سازمان جهانی بهداشت و واکسن‌های معمولی پول انتقال دهیم که نتوانسته ایم. این از پایه و اساس تروریسم پزشکی است که آمریکا در آن دست دارد. ظریف درباره سفرش به مسکو علیرغم وجود این بیماری همه گیر گفت: این سومین سفر من به مسکو پس از کرونا است. برخی چیزها هستند که باید به صورت حضوری مورد بحث قرار بگیرند.

رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان دیدگاهش درباره ادعای اخیر آمریکا مبنی بر اعمال یک جانبه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران که تحریم تسلیحاتی نیز بخشی از آن است، تشریح کرد و گفت: آمریکا وقتی به ممانعت از کشورها در تعامل با یکدیگر اقدام می‌کند، حتما از توان مالی زیادی برخوردار است. به همین دلیل است که کشورها وابستگی شان به دلار را کمتر و کمتر می‌کنند. به دلیل این که می‌دانند تا زمانی که برای تبادلاتشان به دلار آمریکا وابسته هستند نمی‌توانند از خودشان در برابر آن محافظت کنند و آمریکایی‌ها می‌توانند به آن‌ها سختگیری کنند. نکته دوم این است که یک اصل برای ما وجود دارد. ما مانند عربستان سعودی تسلیحات زیادی نمی‌خریم. آن‌ها بیش از ۶۷ میلیارد دلار، مبلغی بیش از آنچه روسیه در ارتشش هزینه کرده است، برای خرید تسلیحات هزینه کرده‌اند. ما تا این اندازه پول هزینه نمی‌کنیم، تا این اندازه پول برای هزینه کردن نداریم. ما خودمان بیشتر تسلیحات مورد نیازمان را تولید می‌کنیم. بنابراین به بازارهای بین‌المللی نخواهیم رفت تا از این‌جا و آن جا تسلیحات تهیه کنیم. هیچ یک از کشورهای اروپایی از زمان انقلاب به ما تسلیحات نفروخته اند. بنابراین هیچ خیال باطلی در سر نداریم.

او ادامه داد: بنابراین توافقی برای لغو محدودیت‌ها وجود داشت. همان طور که روسیه گفت تحریم تسلیحاتی‌ای در کار نبود. ما تحت محدودیتی بودیم که برای خرید و فروش تسلیحات باید از شورای امنیت سازمان ملل کسب اجازه می‌کردیم و این محدودیت در نیمه اکتبر لغو خواهد شد که مهم‌ترین چیز است. اگر نیاز به تهیه کردن تسلیحات از دوستانمان باشد، هیچ محدودیت قانونی‌ای وجود نخواهد داشت. ظریف سپس درباره این که انتظار چه واکنشی برای خرید احتمالی تسلیحات از این کشورها دارد، گفت: چین و روسیه هدایت را به دست گرفته و به اقدامات آمریکا اعتراض کردند. اما کشورهای اروپایی، ۱۳ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت دو بار به رئیس شورا نامه نوشتند. یک بار در ۲۰ اوت بود که آمریکا اظهاریه‌اش را ارائه داد و یک بار هم در ۲۰ سپتامبر بود که آمریکا مدعی بازگردانی تحریم‌ها شد و آن را رد کردند. این چیزی است که اهمیت دارد. این یک شکست بزرگ دیپلماتیک برای آمریکا و انزوای آن است. همچنین تایید قانونی بودن موضع ایران از سوی جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود که نه تنها دستاوردی برای ایران، بلکه دستاوردی برای جامعه جهانی و اجرای قانون است. ما در سطح نظامی با دوستانمان ارتباط داریم که ادامه خواهند یافت و معمولا این‌ها به صورت زنده از تلویزیون پخش نمی‌شوند.

وزیر امور خارجه کشورمان درباره موضع کشورهای اروپایی در این باره با توجه به روابط‌شان با آمریکا گفت: اگر به یک زورگو اجازه دهیم که کارش را بکند، دیگر هیچ محدودیت و پایانی وجود ندارد و فکر می‌کنم اروپایی‌ها باید به این پی ببرند. متاسفانه اروپایی‌ها تاکنون مذاکرات خوبی درباره نورد استریم و برجام(توافق هسته ای) انجام داده اند، اما اقدام به عمل زیادی در کار نیست. ما تاریخی طولانی داریم صبوریم. می‌دانیم که سیاست زورگویانه آمریکا از سوی جامعه جهانی رد می‌شود.

او در ادامه این گفت‌وگو درباره تاثیر انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا بر رویکرد این کشور درباره ایران و این که آیا با انتخاب هر یک از کاندیداها تاثیری بر روابط با ایران خواهد گذاشت، گفت: مشخصا میان رئیس جمهورهای متعدد و دیدگاه‌های متعدد تفاوت‌هایی وجود خواهد داشت. تردید دارم که هر کسی چنین دیدگاه افراطی‌ای مانند رئیس جمهور ترامپ داشته باشد اما سرانجام ما باید به سیاست کاخ سفید و نه کسی که در آن است توجه داشته باشیم. فکر می‌کنم سوالی که باید پیش از این سوال که سیاست آن‌ها در باره ایران چه خواهد بود پرسیده شود، این است که آیا مرحله‌گذار صلح آمیزی با وجود پیروزی بایدن در انتخابات در آمریکا وجود خواهد داشت یا نه. طبق چیزی که رئیس جمهور ترامپ گفته است، شاهد سناریوهایی پیچیده پیش رویمان خواهیم بود.

ظریف همچنین در پی اشاره خبرنگار راشا تودی به تمایل بایدن برای بازگشت به برجام و این که آیا ایران خواهان دوام این توافق است، توضیح داد که ایران می‌خواهد که این توافق پابرجا بماند و تنها خواستار منافع تعهد شده در قبال ایران در این توافق است که پیش از این بر سر آن مذاکره شده است و دیگر قابل مذاکره نیست. او همچنین با اشاره به تعلل کشورهای اروپایی در عمل به تعهداتشان در زمینه برآورده کردن منافع ایران از این توافق و کاهش تاثیر تحریم‌های آمریکا پس از خروجش از این توافق در سال ۲۰۱۸ شرح داد که ایران در پی این وضع طبق مکانیسم‌های محفوظ در برجام برخی تعهدات داوطلبانه‌اش در برجام را کاهش داد، اما طبق گفته او اقدامات اخیر شورای امنیت ثابت کرده است که برجام هنوز زنده است.

ظریف با اشاره به خروج آمریکا از توافق هسته‌ای گفت: آمریکا نه تنها اتاق مذاکره را ترک کرد، بلکه آن را منفجر کرد. اکنون باید یک جایگاه برای خودش پیدا کند. این کار خود به خود انجام نمی‌شود. من پیش شرطی نمی‌گذارم. منظورم این است که شما نمی‌خواهید در وضعیتی در عرصه بین‌المللی به سر ببرید که به خواست خود از توافقی خارج شود و به خواست خود به آن بازگردد. این کارآمد نخواهد بود. وزیر امور خارجه کشورمان سپس در باره عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و بحرین با رژیم صهیونیستی گفت: آن‌ها روابط مخفی استراتژیکی به مدت ۵۰ سال گذشته داشته‌اند. سفیر اسرائیل در واشنگتن تصویری از خود و سفیر امارات در توییتر به اشتراک گذاشته و نوشته بود «اکنون خوشحالم دوستی‌ای را با تو سهیم هستم که مدت زیادی آن را داشته‌ایم». بنابراین آن‌ها مدت زیادی این دوستی را داشته‌اند و اکنون فرصتی برای عکس یادگاری گرفتن داشته‌اند تا به ترامپ کمک کنند در فلوریدا انتخاب شود. ممکن است این اقدام در خدمت این هدف باشد اما در خدمت صلح نیست. او ادامه داد: این روابط در سطح بین کشوری به صورت مخفیانه وجود داشته‌اند اما اکنون تحت فشار داماد ترامپ تصمیم گرفتند آن را علنی کنند تا به ترامپ آن پیروزی دیپلماتیک مورد نظرش را بدهند. ظریف با گفتن این که این اقدام از شکل انداختن عدالت برای فلسطینی‌ها بود اما یک موفقیت بزرگ دیپلماتیک نیست، گفت: کشورهای خلیج فارس با ۲۵ درصد تمام تسلیحات جهان چه کاری کرده اند؟ این من را آزار می‌دهد که همسایگان ما تلاش می‌کنند امنیت را بخرند. فراموش نکنید که آن‌ها سعی کردند از صدام حسین نیز امنیت بخرند و ببینید که با او به کجا رسیدند.